

پاسخی به پرونده سازی کانون نویسندگان ایران

تاریخ اختناق و استبداد بورژوازی همه جا تاریخ پرونده سازی و پاپوش دوزی علیه کمونیستها نیز هست. اتهام زدن به کمونیستها، افترا زدن به کمونیستها، چماقداری و تیغ کشی علیه کمونیستها قدم اول حاکمیت فاشیسم و برقراری حکومت‌های پلیسی و نظامی در کل تاریخ قرن بیستم بوده است. و جالب اینجاست که حتی بیمایه ترین و پخمه ترین ماموران و عاملین حاکمیت سرمایه، از گروه‌بانی که قرار است برای بانک جهانی در گواتمالا و اوگاندا کودتا کند تا روضه خوانی که قرار است حکومت ایران را تحویل بگیرد، بطور غریزی در این فن کثیف استادند. تاریخ سه دهه اخیر ایران و پرونده سازی‌هایی که با آن رژیم‌های منحوس پهلوی و اسلامی هزاران کمونیست را به جوخه اعدام سپردند برای هر انسان شرافتمند و طالب حقیقت آموزنده است.

حال به اطلاعیه اخیر کانون نویسندگان ایران تحت عنوان "هشدار" که در حاشیه گردهمایی انجمن بین المللی روزنامه نگاران در سوئد منتشر شده است نگاه کنید. این اطلاعیه علیه حزب کمونیست کارگری ایران است. نقد سیاست‌ها و برنامه حزب نیست، نقد نقطه نظرات و تاکتیک‌های حزب نیست، اعلام مخالفت با این یا آن اقدام و عمل حزب نیست، بلکه پرونده سازی و پاپوش دوزی ریاکارانه و حقیرانه دیگری است در متن سنت ضد کمونیستی آشنای قرن بیستم، از هیتلر تا مک کارتی.

حضرات در این تازه ترین شاهکار جمعی شان، ابتدا صحنه ای جعلی مبنی بر "تهدید به مرگ عباس معروفی و تهدید به آتش کشاندن نشر باران" در سوئد خلق میکنند. با اینکه رسماً میگویند که از عاملان آن بی اطلاعند. اما این مانع از آن نیست که این "گشتند و آتش زدند" را یک سطر بعد به سخیف ترین شیوه به حزب کمونیست کارگری نسبت بدهند. این حضرات ظاهراً نویسنده اند، ظاهراً دارند به عنوان نویسنده کلاه میچرخانند و نان میخورند، اما در پاسخ به اطلاعیه های نادر بکتاش و نویسنده های دیگری که به روش سازشکارانه شان در قبال حکومت اسلامی اعتراض کرده اند، دستشان به قلم و تحلیل نمیروند، بلکه یکسر دست به سنت رسوای هیتلر و هورر و پینوشه و نصیری میبرند و برای حریف سیاسی شان پرونده "آتش زدن" و "اقدام علیه امنیت.." میترانند. ننگ!

اینها که با روی کار آمدن خاتمی صبح تا شب شان را با وراجی حول صنفی بودن کانون شان میگذرانند در کینه توزی و پرونده سازی علیه کمونیستها از هر مرتجع سیاسی کاری سیاسی تر میشوند. از این آقایان باید سوال کرد که چند قطعنامه و اطلاعیه علیه سنگسارهای دوران حکومت خاتمی صادر کرده اند؟ اعضای هیئت دبیرانشان چند سخنرانی علیه بی حقوقی زنان و سرکوب آزادیها و شکنجه زندانیان ایراد فرموده اند؟ شعری کانونشان چند شعر باقافیه علیه شکنجه گران اوین و دم و دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی سروده اند؟ چرا قلم شان علیه این حکومت سیاه، حکومت صد هزار اعدام، حکومت سنگسار، حکومت مذهب چنین خشکیده است؟ اینها که ادعا میکنند نگران روش حزب الله در خارج کشور هستند چرا گوشه ای از این نگرانیها را در مورد حکومت حزب الله در ایران که فلسفه ای جز سرکوب ندارد ابراز نمیکنند.

چرا مخالفین جمهوری اسلامی عضو کانون را مطابق احکام اسلام به محکمه میکشند؟ دروغ گویی و پاپوش دوزی پاسخ نیست. چرا کانون نویسندگان ایران در تبعید به انتخاب معروفی به عنوان یکی از دو مدعو اصلی نشست انجمن بین المللی روزنامه نگاران در سوئد اعتراض نکرده و خواهان شرکت روزنامه نگاران و نویسندگانی که هیچ رابطه ای با دولت جمهوری اسلامی ندارند، نشده است؟ چرا یک هیئت نمایندگی معترض به گردهمایی وزیران فرهنگ کشورهای مختلف در روزهای ۳۰ و ۳۱ مارس در همین کشور اعزام نداشته است تا در باره اعدام سعید سلطانپور و سانسور و فشار امروز در ایران و دهها و صدها روزنامه نگار و نویسنده ای که در ۲۰ سال گذشته قربانی و تبعیدی رژیم جمهوری اسلامی بوده اند، افشاگری کند؟ چرا در برابر محل اجلاس دست به تحصن و تظاهرات نزده اند تا توجه عموم را به جنایات جمهوری اسلامی و عوامل آن که امروز منجمله یکیشان وزیر فرهنگ و دیگری رئیس جمهور شده است، جلب کنند؟ چرا در صدد برنیامده اند که با حمایت روزنامه نگاران و نویسندگان مترقی سوئد کنفرانسی مطبوعاتی در استکهلم بگذارند و کارنامه رژیم را در زمینه سرکوب آزادی مطبوعات و بیان ارائه دهند و خاطرنشان کنند که اکنون هم در بر همان پاشنه میچرخد؟ نخیر آقایان سیاسی نیستند! خدا عاقبتتان را بخیر کند.

اما آقایان عزیز با اینحال مطمئن باشید که حتی برای داشتن آزادی کامل در شعر گفتن هم باید از آخوند دل بکنید و به کمونیستها و حکومت کارگری امید ببندید. فقط در یک حکومت کارگری آزادی بی قید و شرط بیان و همه حقوق مدنی تان، حتی اگر ضدکمونیسم امروزتان را حفظ کرده باشید، محفوظ و مصون خواهد بود. وقت آن شده است که لااقل آنهایتان که "نویسنده اید" خرجتان را از مبلغان و مدافعان رژیم سوا کنید.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

۲۱ آوریل ۹۸